

**گروه بین الملل – علی ودایع**، پاریس از احساس تحقیر به خود می‌بچد ، اروپایی ها هم نمی‌دانند چه راهکاری را در پیش بگیرند. وزیرخارجه هلند با دستپاچگی به لندن رفته است تا بفهمد دقیقا چه اتفاقی رخ داده است. مساله اساسی اینجااست که آمریکا با مشارکت لندن در عمل اروپایی ها را حذف کرده است. گاردین خبر داده که فرانسه در اعتراض به همکاری زیرسطحی آمریکا و استرالیا، سفیرانش را از این دو کشور فراخوانده است. «لودریان» وزیر امور خارجه فرانسه بامداد شنبه اعلام کرد که سفیران این کشور در واشنگتن و کانبرا را در اعتراض به خبر جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا در مورد تامین زیردریایی‌های هسته‌ای استرالیا بدون مشورت با مقام‌های فرانسوی، فرا می‌خواند.

این اقدام در پی لغو قرارداد فروش زیردریایی‌های فرانسوی به استرالیا موسوم به «فرارداد قرن» صورت گرفت. سفیر فرانسه در واشنگتن نیز در پیامی توییتتری نوشت: به دنبال اعلامیه‌هایی که بر دیدگاه ما درباره متحدانمان تأثیر می‌گذارد، برای منشورت به پاریس احضار شدیم.این نخستین باری است که فرانسه سرفراش از آمریکا و استرالیا را فرا می‌خواند.

آمریکا و فرانسه از زمان جنگ استقلال

آمریکا متحد نزدیک محسوب می‌شوند و این

رخداد بین دو متحد نامعمول است. در همین حال یک مقام کاخ سفید به خبرنگاری رویترز گفت که آمریکا از تصمیم فرانسه متاسف و واشنگتن در این ارتباط با پاریس در تماس نزدیک بوده است. این مقام گفت که آمریکا برای حل اختلافات در روزهای آینده با فرانسه در تعامل خواهد بود.

**یهت پاریس از اقدام آمریکا**

شامگاه چهارشنبه،ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا از برنامه ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای برای ارتش استرالیا خبر دادند.

«جو بایدن» رئیس جمهوری آمریکا،«پورس جاسون» نخست وزیر بریتانیا و «سکات موریسون» نخست وزیر استرالیا با صدور بیانیه‌ای مشترک از مشارکت جدید در زمینه‌های دفاعی و امنیتی به نام «AUKUS» و اولین پروژه در این زمینه خبر دادند.

روابط بین فرانسه و ایالات متحده از یک سو و فرانسه با استرالیا از سوی دیگر وارد یک دوره بحران شده است، زیرا دولت استرالیا از طریق ایجاد این مشارکت جدید، قرارداد ۴۰

### تظاهرات علیه محدودیت کرونا در استرالیا

با ادامه دستور مقامات دولتی استرالیا برای اجرای محدودیت‌های کرونایی برای مبارزه و مهار این بیماری، معترضان به اجرای این محدودیت ها به خیابان ها آمدند که به درگیری خشونت آمیز با پلیس منجر شد. به گزارش یوون نیوز ، در حالی که دولت استرالیا به مبارزه با ویروس کرونا و مهار افزایش موارد ابتلا به این ویروس مشغول است، مردم به خیابان ها آمدند تا صراحتاً اعتراض خود را به ادامه و تمدید اعمال محدودیت ها و قرنطینه بلند کنند. صد‌ها معترض در اطراف شهر «ریچموند « جمع شدند تا از تمامی ایستگاه‌های پلیس عبور کنند و شعارهایی علیه تمدید مدت قرنطینه و محدودیت‌های کرونا در سراسر کشور سر دادند.



رئیس فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در خاورمیانه، سننکام، با اعتراف به اینکه در حمله پهبادی آمریکا در کابل که ماه گذشته میلادی رخ داد، ۱۰ غیرنظامی‌از جمله هفت کودک کشته شدند، بابت این «اشتباه فجیع» عذرخواهی کرد.

به گزارش رویترز، ژنرال فرانک مک‌کنزی، رئیس فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا در

#### سفرای فرانسه از واشگتنن و کانبرا به پاریس احضار شدند

## قهر الیزه با آمریکا و استرالیا



میلیارد دلاری خرید زیردریایی‌های فرانسوی را لغو کرده و تصمیم گرفت آنها را با تسلیحات هسته‌ای آمریکا جایگزین کند. ناظران می‌گویند تصمیم فرانسه برای فراخواندن سفیران خود در استرالیا و آمریکا نشان دهنده عمق ناراضیانی این کشور اروپایی است و خشمم آن با رفتار مخفیانه و اعلام ناشیانه قرارداد میان آمریکا و استرالیا تشدید شده است.

فرانسه در پی امضای معاهده همکاری آمریکا، بریتانیا و استرالیا و در واکنش به حذف پاریس از قرارداد ۹۰ میلیارد دلاری برنامه زیردریایی استرالیا، پنجشنبه (۲۵ شهریور) مراسم گرامیداشت روابط خود با آمریکا را نیز لغو کرد.

لودریان وزیر امور خارجه فرانسه گفت که

معاهده آمریکا، بریتانیا و استرالیا موسوم به

«وکوس» اقدامی «بی‌رحمانه» و «خنجری از پشت» است.

**واقعبیت روابط فرآتلانتیک**

نکته درنداک برای کاخ الیزه اینجااست که هنوز مدت زمان زیادی از ارسال مجسمه آزادی از طرف فرانسه به آمریکا سپری نشده است. پاریس چندی پیش در راستای آنچه «تحکیم روابط فرانسه و آمریکا» توصیف کرده بود، در

### رصد برنامه اتمی جدید کره شمالی

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که کره شمالی تنها چند روز پس از مشخص شدن راه اندازی مجدد تانسیتات اتمی‌خود، به سرعت در حال گسترش راکتور بازپردازنده تولید پلوتونیوم است. به گزارش سی‌ان‌ان، تانسیتات تحقیقات اتمی قدیمی‌و تعطیل شده «یونگبیین» که قابلیت غنی سازی اورانیوم را برای تسلیحات اتمی‌داشت بار دیگر شروع به کار کرده و نشان می‌دهد که یک کمیوچنگ کرده و رهبری کره شمالی به دنبال توسعه و تسريع در تولیدات اتمی‌این کشور است. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که ساخت و ساز در این نیروگاه در جریان است و به این کشور اجازه می‌دهد تا ۲۵ درصد تولیدات اتمی‌خود را افزایش دهد.

اتحادیه اروپا و بریتانیا توصیف کرده اند اما آنچه در درازمدت در اردوگاه کنشورهای اروپایی قابل تصور است، طی کردن مسیر متفاوت بریتانیا مبتنی بر منافع فردی و گسترش یکجانبه گرایي است.

**ادامه یکجانبه گرایی واشنگتن**

پیمان سه جانبه آمریکا، بریتانیا و استرالیا و دور زدن نزدیک ترین و یکی از مهمترین شرکای تجاری و تاریخی غرب یعنی فرانسه، حاوی پیام‌های مهمی‌برای تحلیلگران عرصه روابط بین المللی است. کنار هم نهادن وقایع اخیر جهان معاصر، گسترش یکجانبه گرایی به جای تصمیمات جمعی، اتخاذ سیاست‌های واگرا در مسائل و بحران‌های بین المللی و حتی مسائل تجاری بیابگر نوعی سردرگمی کشورهای غربی است که نشان می‌دهد جهان دیگر بر پاشنه سابق نمی‌چرخد و در حال گذار به سمت نظم نوینی است که هر کس می‌کوشد سهمی از قدرت در این نظم جدید برای خود دست و پا کند.

نیویورک تایمز می‌نویسد که «اورلیش اسپیک» از اندیشکسه صندوق مارشال آلمان در برلین هم در این خصوص معتقد است: «زیردریایی ها و افغانستان دو رویدادی است که بر استدلال فرانسه مبنی بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا صحه می‌گذارد.»

همزمان تحلیلگران نسبت به اینکه آیا فرانسه موفق خواهد شد این شکست دوجنبه را به راهی برای ارتقای خودمختاری راهبردی تبدیل کند، مردد هستند.

«رابین نیبلت» مدیر موسسه تحقیقاتی «چتم هاوس»گفت: «سیاری از اروپایی ها این اقدام برای ا فرصتی برای فرانسه می‌دانند

که می‌تواند از آن به عنوان اهرمی‌برای منافع شخصی خود بهره ببرد. وی همزمان تأکید می‌کند در شرایط کنونی برقراری تعادل در اروپا یک دشواری به نظر می‌رسد.»

از سوی دیگر ناظران معتقد هستند که بزرگترین چالش اتحادیه اروپا ممکن است یافتن اراده سیاسی برای استقلال راهبردی باشد، موضعی که «اورسولا فن در لاین» رئیس کمیسیون اروپا هم در سخنرانی خود در اتحادیه اروپا در اوایل ریزاد این اتحاد جدید آسیایی به آن اشاره کرد. فرانسه با احضار قهری سفیرانش از واشنگتن و لندن می‌خواهد بر خودمختاری فشار بیاورد. مساله اساسی برای پاریس این است که آیا اعضای دیگر اتحادیه اروپا هم برای فاصله گرفتن از واشنگت همراه خواهند شد یا نه.

### مرگ بوتفلیقه در انزوا و تنهایی

«عبدالعزیز بوتفلیقه» یا به تعبیر الجزایری‌ها «بوتف»، رئیس جمهوری سابق الجزایر که در آوریل ۲۰۱۹ بعد از اوج‌گیری اعتراض‌های مردمی‌در خیابان‌ها و با فشار ارتش پس از دو دهه ریاست جمهوری از قدرت کناره گیری کرد، در سن ۸۴ سالگی درگذشت.

رسانه‌ها جمعه شب از درگذشت عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهوری سابق الجزایر خبر دادند؛ او که هفتمین رئیس جمهوری از زمان استقلال الجزایر از کشور فرانسه در سال ۱۹۶۲ بود، از ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ تا دوم آوریل ۲۰۱۹ به عنوان رئیس جمهوری، زمام امور را در دست داشت و تا آخرین لحظه برای ماندن در قدرت تلاش کرد.

اشتباه فجع بوده است.

وی همچنین گفت، اکنون بر این باور است که بعید است آن افرادی که در این حمله کشته شدند، اعضای داعش خراسان یا تهدیدی علیه نیروهای آمریکایی بوده باشند. پنتاگون در حال بررسی اعطای غرامت به خانواده‌های قربانیان است.

کشته شدن این غیرنظامیان در این حمله پهبادی که خارج از افغانستان رخ داد، باعث مطرح شدن این سوال درباره حملات آتی مقابله با تروریسم آمریکا در افغانستان شد که گردآوری اطلاعات در آن و در پی خروج نیروهای آمریکایی متوقف شده است. همچنین تأیید کشته شدن غیرنظامیان باعث انتقادهای بیشتری به خروج بی نظم نیروهای آمریکایی از افغانستان شده که بزرگترین بحران را برای دولت جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا در پی داشته است.

بین‌المللی کابل در حرکت بود، در عملیاتی

با استفاده از پهباد از پای در آورده‌اند. اما بعدا روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرد فرد کشته شده در واقع یک امدادگر افغان بود که به همراه خودروی بر پا گالن‌های آب هدف قرار گرفته است رد این حمله ۱۰ تن از اعضای خانواده این امدادگر از جمله ۷ کودک کشته شدند.

با وجود برخی گزارش‌ها از کشته شدن غیرنظامیان در آن حمله،مقام‌های وزارت دفاع آمریکا از دقت حمله دفاع می‌دروند.

این حمله پهبادی حدود یک هفته پس از حمله انتحاری گروه داعش در نزدیکی فرودگاه کابل انجام شده. در حمله این گروه تروریستی، ده‌ها تن، از جمله ۱۳ تن از نیروهای نظامی آمریکایی، کشته شدند.

مک‌کنزی گفت: تحقیقات ما اکنون مشخص کرده که این حمله پهبادی یک

### حذف «ملاعبدالغنی بردار» از حکومت طالبان

صندلی‌اش را بلند و به سمت برادر پرتاب کرد. محافظان هر دو طرف وارد معرکه شده و به سمت یکدیگر تیراندازی کردند که در نتیجه آن تعدادی از آنها زخمی و کشته شدند. ملا برادر در این درگیری زخمی‌نشد اما از کابل خارج شده و به قندهار رفت که پایگاه طالبان است تا با هبت‌الله اخوندزاده، رهبر طالبان گفتگو کند.

در انتشار فهرست کابینه دولت طالبان افغانستان هفتم سپتامبر نامی از افراد خارج از حلقه این گروه شبه نظامی نیست. اعضای شبکه حقاتی نیز چهار بست دارند و سراج‌الدین حقانی، رهبر این شبکه که در فهرست افراد تحت تعقیب اف‌بی‌آی است، سربرتست وزارت کشور شده است. برادر نیز به عنوان یکی از دو معاون نخست وزیر معرفی شده بود. طالبان و حقانی در ۲۰۱۶ با یکدیگر ادغام شدند.



سنگاپور، برتغال و یونان سفر کرده است. حتی مسادر و دختر پولیاکووا در برخی از این سفرهای «دیپلماتیک» رسمی‌وی را همراهی کرده‌اند.

براساس اطلاعات به دست آمده، پولیاکووا مطمئن توسط پایگاه «iStories» پولیاکووا در داخل وزارت امور خارجه روسیه نفوذ قابل توجهی دارد به طوری که تعدادی از دوستان

### بین‌الملل ۱۱

#### یادداشت

### خروج از افغانستان، سر آغاز چرخش در سیاست

#### خارجی آمریکا

مجید محمد ضریفی

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، مطابق انتظار، زمینه‌ساز مناظرات و تحلیل‌های فراوان در داخل و خارج از این کشور بود. برخی چون جوزف بولر، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خروج آمریکا را «فاجعه‌ای برای مردم افغانستان، ارزش‌ها و اعتبار دنیای غرب و توسعه روابط بین‌الملل» توصیف کردند. منتقدان داخلی بایدن نیز، اقدام دولت را شکستی آشکار دانستند و حتی خواهان کناره‌گیری مارک میلر از سمت رئیس ستاد مشترک آمریکا شدند. پیامدهای خروج آمریکا از افغانستان چنین نرس برای متحدان اروپایی آمریکا‌شگفت‌آور بود که رهبران این اتحادیه بار دیگر خواهان تشکیل نیروی واکنش سریع اروپایی برای پاسخ به بحران‌های آینده شدند. از نظرگاه رهبران اروپایی، خروج آمریکا از افغانستان نشان از واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در تعاملات دو سوی اتلانتیک دارد؛ اینکه آمریکا دیگر متعهد قابل اتکایی نیست و ضروری است کشورهای اروپایی خود در جستجوی جایگاهی مستقل در نظام بین‌الملل باشند. این امر نشان داد که سیاست‌های آمریکا در دوران ترامپ پدیده‌ای منحصر به فرد و انحرافی بر خاسته از خواسته‌های شخصی وی نبوده بلکه گویای تحولی اساسی در مناسبات جهانی و برداشتی نوین در میان رهبران آمریکایی است؛ اینکه آمریکا دیگر تمایلی برای پرداخت هزینه-های رهبری جهانی ندارد و بیش از همه در تلاش است تا با رویکردی مبتنی بر آموزه‌های مکتب واقع‌گرایسی، منافع و قدرت ملی خود را ارتقا دهد و در این میان، بی‌اعتباری ارزش‌های غربی و با تخطی از حقوق بشر دیگر نگرانی جدی واشنگتن نیست.

صرف‌نظر از انتقادات از سیاست خروج آمریکا از افغانستان و واکنش متحدان بدین اقدام، آنچه بیش از همه نیازمند تحلیل و ارزیابی است، درک نتیجه‌ها و دلایل آمریکا برای انجام این اقدام و ایضاح منطق ففاری واشنگتن است. با تأمل در اظهارات مقامات آمریکایی بویژه اعضای سیاست خارجی دولت بایدن و مراکز تحلیلی و فکری رویکرد به دولت و همچنین تعقد در تحولات حادث در نظام بین‌الملل، به خوبی می‌توان دریافت که سیاست خروج از افغانستان، سرآغازی برای چرخشی آشکار در سیاست خارجی آمریکا است که تنها به دولت بایدن و دوره ریاست جمهوری وی محدود نمی‌شود، بلکه راهبردی بلندمدت برای دهه‌های پیش‌رو است. در این یادداشت به این تم یا با نگاهی به استدلال‌های مقامات آمریکایی در تبیین چرایی خروج از افغانستان، شاخسه‌های چرخش در سیاست خارجی آمریکا را استخراج کنیم. با نگاهی به مناظرات داخلی آمریکا و استدلال‌های مطرح شده می‌توان شاخسه‌های چرخش در سیاست خارجی آمریکا و آموزه نوین در این عرصه را در موارد ذیل، جمع کرد:

ضرورت مقابله با چین و ورود به عصر جدید رقابت قدرت‌های بزرگ، بی‌شک مهمترین پیشتران سیاست خروج آمریکا از افغانستان، درک رهبران این کشور از ورود به عصر جدید رقابت قدرت‌های بزرگ و ضرورت تمرکز نیز بر سرای مقابله با چین است. پذیرش چنین در مقام یک رقیب وجودی (existential competitor) و روسیه در مقام یک اخلال‌گر (disrupter)،سبب شده است تا نخبگان سیاسی آمریکایی از هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، ضرورت تمرکز بر این دو کشور بویژه چین را به عنوان اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا تعریف کنند. آمریکا برای مقابله با چین ناگزیر به کاهش هزینه‌های مالی و نظامی‌در سایر نقاط جهان است. مناسب‌ترین گزینه برای کاهش این هزینه‌ها،افغانستان است. افغانستان در مجاورت هیچ‌یک از متحدان اصلی آمریکا قرار ندارد بلکه در مقابل همسایه رقبای راهبردی این کشور چون چین، روسیه و ایران است. بدین‌سان بی‌ثباتی و حتی احتمال جنگ داخلی در افغانستان (بر اساس پیش‌بینی مارک مبل رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا) نه تنها تهدیدی برای واشنگتن نیست، بلکه سبب درگیری رقبای آمریکایی در یک بحران منطقه‌ای خواهد شد.

افزون بر این، آمریکا برای مواجهه با تهدیدات چین از یک سو بر احیای توان اقتصادی و از سوی دیگر مقابله با رفتارهای تهاجمی‌چین در دریای چین جنوبی متمرکز شده است. تایوان منطقه‌ای است که بسیاری از مقامات دولت و کارشناسان نظامی‌آمریکا بر این باورند که ممکن است از یک نقطه برای رقابت قدرت به مکنای برای برخورد نظامی‌بین آمریکا و چین تبدیل شود. کارشناسان وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا در حال ارزیابی نتایج اجرای سیاست «بهام ابترتزیکی» strategic ambiguity،(حمایت سیاسی و نظامی‌از تایوان بدون اعلام حمایت صریح از این کشور در صورت حمله چین) در برابر تایوان هستند و اینکه آیا این سیاست همچنان کارآمد است یا لازم است تغییر کند. به گفته مقامات پنتاگون، موضوع تایوان در شش سال آینده به مسئله اصلی تبدیل خواهد شد. در مواجهه با روسیه، بایدن بر آن است تا در مقاسیه با دونالد ترامپ، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را در پیش گیرد. مقابله با حملات سایبری روسیه و دخالت‌های این کشور در انتخابات آمریکا، مهم‌ترین عرصه‌های تقابل واشنگتن و مسکو است. افزون براین، بایدن ضمن تلاش برای تقویت جبهه واحد غربی علیه روسیه، همچنان بر آن است تا از دیپلماسی مستقیم برای حل برخی مسائل بهره گیرد. حمایت از اوکراین‌بخش دیگری از رویکرد دولت بایدن در مواجهه با روسیه است.

پایان ایده ملت‌سازی (Nation-building) در سیاست خارجی آمریکا، اظهارات جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در تبیین چرایی خروج نیروهای این کشور از افغانستان، گواهی مستحکم در تأیید پذیرش شکست ایده ملت-سازی در سیاست خارجی است. آمریکای سرمست از پیروزی بر کمونیسم، بر آن شد تا با ترویج ارزش‌های غربی و شیوه حکومتداری مبتنی بر اصول لیبرال-دموکراسی، پس از پایان جنگ سرد، نظم بین‌المللی آمریکایی را بر تمامی‌نقاط جهان حاکم کند. مطلوبیت این ایده تا بدان‌جا پیش رفت که دولت جورج بوش پسر حتی حاضر به کاربست گزینه نظامی در افغانستان و عراق شد و طرحی بلندمدت برای تغییرات اجتماعی-سیاسی در خاورمیانه طراحی کرد. ویلسونیسیم چکمه‌پوش، عنوانی برای گسترش ایده‌های صلح وودرو ویلسونر رئیس جمهور ایده‌آل‌گرای آمریکایی از طریق ابزار نظام د دولت بوش پسر بود.

شکست آشکار سیاست خاورمیانه بزرگ‌تر بوش و هزینه‌های مالی و انسانی حمله به افغانستان و عراق سبب شد تا رؤسای جمهور بعدی آمریکا، در جستجوی راهی برای تغییر راهبرد کلان بین‌الملل‌گرای لیبرال باشند. امتناع باراک اوباما از مداخله نظامی‌مستقیم در سوریه و لیبی و سیاست انزواطلبانه دونالد ترامپ، گواهی بر چرخشی آشکار از سیاست مداخله‌جویی آمریکا بود. اکنون به نظر می‌رسد، جو بایدن نیز در تبعیت از دو رئیس جمهور گذشته بر آن است تا از راهبرد واقع‌گرایي و مبتنی بر تعریف محدود مداخله در مسائل جهانی، سیاست آمریکا را تنها برای مقابله با رقیب اصلی چین، متمرکز کند. به نظر می‌رسد، اکنون نخبگان تصمیم‌گیر در واشنگتن بیش از پیش به صحت ادعاهای جان مرشایمر، استناد برجسته معاصر روابط بین‌الملل واقف شده‌اند و برآندت تا د دوری از ایده بین‌الملل‌گرای لیبرال، هرچه بیشتر به سمت واقع‌گرایي و ناسیونالیسم حرکت کنند. دیگر دولتمردان آمریکایی در تغییر نظام سیاسی سایر کشورها و تلاش برای تغییر بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی آنها هیچ منفعتی مشاهده نمی‌کنند و بدین سان ایده ملت‌سازی را به فراموشی سپرده‌اند.

مرکزیت دیپلماسی با پشتوانه مداخله نظامی‌محدود و ضروری: دیگر شاخصه چرخش در سیاست خارجی آمریکا تأکید بر ضرورت کاربست دیپلماسی برای مدیریت و حل مسائل سیاست خارجی با پشتوانه نیروی نظامی‌محدود است. به گفته مقامات دولت آمریکا، بایدن در نشست‌های انجام شده در کاخ سفید، بارها از ایده کاربست دیپلماسی با پشتوانه قدرت نظامی‌برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، اعلام رضایت کرده است. گزینه نظامی‌تنها به صورت محدود و در مواقع ضروری به کر گرفته خواهد شد و آمریکا دیگر گرفتار جنگ‌های بی‌پایان و اشغال نظامی‌یک کشور نخواهد شد. کاربست گزینه نظامی‌نیز تنها برای مقابله با تهدیدات تروریستی و از حفظ توان‌وز در روابط کشورهای یک منطقه خواهد. این همان ایده توازن از راه (Offshore Balancing) است.

موارد سسه‌گانه فوق را باید ناشی از تحولات در عرصه داخلی آمریکا و مناسبات قدرت در نظام بین‌الملل تلقی کرد. این تحولات چندان ارتباطی با ایده‌های فردی یک رئیس جمهور و با تغییر گفتمان سیاست خارجی یک حزب ندارند. بدین سان، به نظر می‌رسد در دهه‌های آینده صرف‌نظر از اینکه چه فردی از چه حزبی سکان هدایت کاخ سفید را در اختیار بگیرد، آموزه مبتنی بر این سه شاخصه هدایتگر سیاست کلان آمریکا در نظام جهانی خواهد بود.